

## نقش بیمه در گسترش عدالت اجتماعی

علی موسی رضا

(مدیر عامل شرکت سهامی بیمه ایران)

در این گفتار منظور از عدالت اجتماعی آن است که فاصله زیاد بین چگونگی زندگی طبقه پایین و طبقه بالای جامعه وجود نداشته باشد، به طوری که گروهی از همه مواهب محروم و عده‌ای همه امکانات را در اختیار داشته باشند. یعنی همان‌طور که در اصل ۴۳ قانون اساسی هم مطرح شده، نظام اجتماعی باید بر پایه‌ای استوار شود که نیازهای اساسی انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او برآورده شود و نیازمندی یافت نشود که نتواند فرزندان خود را به مدرسه بگذارد یا نتواند بیمار خانواده را معالجه کند یا نتواند پوشاک و وسایل معاش برای عایله خود فراهم نماید. در این شرایط اگر به طور کامل عدالت اجتماعی استقرار نیافته باشد می‌توان گفت که به طور نسبی عدالت اجتماعی برقرار شده و عطر دل آویز عدالت در اجتماع آدمیان پراکنده گشته است.

عنوان مقاله گویاست که بیمه موجود و پدید آورنده عدالت اجتماعی نیست، بیمه عاملی نیست که یکه تاز میدان باشد و به تنهایی بتواند سایه شوم فقر و بینوایی را از سر مسکینان بردارد و خانواده‌های بی‌بضاعت را از شر دیو تهی دستی نجات دهد. آنچه انتظار می‌رود این است که بیمه به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار نقشی در تثبیت عدالت اجتماعی و سپس توسعه آن داشته باشد.

آیا واقعاً و به درستی و دور از هرگونه پیش داوری و جانبداری، بیمه تأثیری در برقراری عدالت اجتماعی دارد؟ اگر پاسخ مثبت است آیا این صرفاً یک ادعا برای گرم کردن بازار است یا سهمی از حقیقت در آن وجود دارد؟ منصفانه باید گفت که پاسخ بدین پرسش از لحاظ نظری و کاربردها در مقام عمل یکسان نیست و فاصله بسیار بین

به چه نتیجه‌ای خواهیم رسید؟ بی‌تردید نظر بسیاری از آنان معطوف آثار و نتایج بیمه‌های اجتماعی خواهد شد و بیمه‌های بازرگانی اصولاً از حیطة داوری دور خواهد ماند. بنابر این ما با این مشکل روبه‌رو هستیم که شناخت کامل نیست تا داوری صحیح باشد. از اینجا این نتیجه به دست می‌آید که بیمه‌های بازرگانی با همه قشرها سروکار ندارد و هنوز توانسته است در لایه‌های مختلف اجتماع نفوذ کند و در خانه‌ها و خانواده‌ها وارد شود. وظیفه خطیر بیمه‌گران این است که بیمه را همچون دوستی آشنا و یاور، به درون کانونهای خانوادگی روانه سازند. وانگاه می‌توان نتایج کار را بررسی کرد و ملاحظه نمود که بیمه عملاً در زندگی مردم چه آثاری دارد و تا چه حد بار عدالت اجتماعی را بر دوش خواهد گرفت. بنابر این بحث ما به دو بخش تقسیم می‌شود. نخست، بررسی سهم برخورداری از عدالت اجتماعی در قشرهایی که با بیمه‌گران سروکار دارند و آثار آن بر گروههای دیگر اجتماعی و دوم، سهم بیمه‌های بازرگانی - در صورت اشاعه و گسترش - در تحقق عدالت اجتماعی.

### بخش اول - امنیت سرمایه و سود

کسانی که در یک اجتماع به کار تولید یا خدمات اشتغال دارند کاملاً منطقی و بجاست که انتظار داشته باشند که سازمان یا سازمانهایی بقا و دوام فعالیت آنها را به نوعی تضمین کنند. مدیران مؤسسات تولیدی یا خدماتی وقتی امنیت اقتصادی نداشته باشند، هم نگران آینده و دستخوش هول و هراس وقایعی هستند که دامنه آثار مخرب و زیانبار آنها را نمی‌توانند پیش‌بینی کنند و هم، جرأت و شجاعت برای سرمایه‌گذاری جدید و توسعه فعالیت خود ندارند. این دو عامل توأماً، توانایی و ظرفیت کار را از آنها می‌گیرد. پیدایش مؤسسات بزرگ تولیدی و خدماتی نیاز به سرمایه‌گذاری‌های کلان دارد. بدون سرمایه‌گذاری، مؤسسات بزرگ اقتصادی و صنعتی که زیربنای پیشرفت و توسعه اقتصادی هستند به وجود نمی‌آیند. کسانی که پولی در اختیار دارند - کم یا زیاد - وقتی شریک یک مؤسسه بزرگ می‌شوند که از دو امر اطمینان نسبی حاصل کنند. نخست اینکه سرمایه آنها از هر خطری در امان بماند و دوم اینکه سود قابل قبولی به دست بیاورند. پدید آمدن مؤسسات بزرگ یا رشد آنها در گرو این دو عامل است. تاریخ توسعه نشان می‌دهد که در هر کشوری که چنین اطمینانهایی به طور دایم و مستمر یا به عرصه وجود نهاده راه برای پیدایش مؤسسات بزرگ هموار شده است. در اینجا ما از ایمن بودن

از خطرهای سیاسی که از ستونهای عظیم توسعه است صحبت نمی‌کنیم و به بحث در محدوده سایر خطرها می‌پردازیم.

اگر از منظری دیگر نگریسته شود، در کشورهایی شکوفایی اقتصادی به وجود آمده است و مؤسساتی توانمند و پرقدرت با کارکنانی خبره و آگاه در دامان اجتماع پرورده شده‌اند و از مرزهای خود خارج گشته‌اند و در پهنه گیتی عظمت خود را به نمایش گذارده‌اند که امنیت سرمایه و سود فراهم بوده است. لذا متقابلاً می‌توان نتیجه گرفت که در هر کشوری چنین مؤسساتی با این خصوصیات یافت نشوند یا به ندرت یافت شوند، شاهدهی خواهد بود براینکه تأمین لازم برای سرمایه و سود وجود نداشته است.

سخن این است که تأمین یا بیمه، سرمایه و سود مقتضای عدالت اجتماعی است در جامعه‌ای که عدالت اجتماعی در آن سایه گستر است به هر ذی حقی سهم حقه او داده می‌شود و نیازهای واقعی سازمانها و مؤسسات پاسخ مثبت دریافت می‌دارد. مؤسسه اقتصادی درختی است که در سرزمین حیات اجتماعی کاشته می‌شود و باید آنچه برای رشد و بالیدن لازم است دریافت دارد. رشد متناسب و متعال نداشتن یا به قهقرا رفتن علامت مظلوم واقع شدن درخت است. ناگفته نماند که تأمین دادن به سرمایه‌هایی که به کار گرفته می‌شوند، اما برکت و میمندی در به کارگیری آنها نیست و نیازهای واقعی مردم را برطرف نمی‌کند، رهاوردی جز ازدیاد یا به وجود آوردن مواد و اشیایی که تبلیغات زمینه‌ساز مصرف آنهاست ندارند. در جامعه اسلامی، همسان آب دادن به خار است.

مؤسسات بیمه عملاً نمی‌توانند شرکتها را از لحاظ سودمندی برای اجتماع یا سودمند نبودن به دو دسته تقسیم کنند و به دسته نخست پوشش دهند و از بیمه کردن دسته دوم استنکاف ورزند. اینکه امکانات لازم برای رشد چه درختهایی باید فراهم شود و آنچه باید نصیب درختهای ثمربخش شود بهره‌خارها نگردد، در حوزه کارکرد شرکت‌های بیمه نیست و به سیاست کلان جامعه وابسته است.

بیمه، برای مؤسسات تولیدی و خدماتی، تأمین فراهم می‌کند و این تأمین خود عدالتی است که آنها را از آثار سوء حوادث مصون می‌دارد لکن در واقع کسان بسیاری در گستره حفاظتی این چتر قرار می‌گیرند. همان‌طور که در اصل ۴۳ قانون اساسی هم بدان اشاره شده، در سرزمین عدالت اجتماعی برای هرکس که توانایی کار دارد و اراده و انگیزه بهره بردن از این توانایی را نیز داشته باشد اشتغال به کار میسر است و بیمه در راه وصول به این هدف تأثیر گذار. با حمایت شرکت‌های بیمه، مؤسسات بزرگ تولیدی و

خدماتی تولد می‌یابند و کارکنان و کارشناسانی را به خدمت می‌گمارند. هرچه مؤسسه وسیع‌تر شود بر تعداد کارکنان آن افزوده خواهد شد. بنابر این شرکت‌های بیمه به طور غیرمستقیم در ایجاد شغل و کار که لازمه بسط عدالت اجتماعی است سهم هستند. توزیع کالاها و خدمات نیز در گستره عدالت اجتماعی قرار می‌گیرند. کالاهایی که به کشور وارد می‌شود باید بیمه شوند و این کالاها و کالاهایی که در داخل کشور تولید می‌گردند در سطح کشور توزیع می‌شوند تا نیازهای همه مردم اجتماع برآورده شود. بدین سان بیمه با پوشش دادن به خطرهایی که در حین حمل و نقل و توقف موقت در نقاط مختلف متوجه این کالاهاست نقشی مهم در جهت تسهیل تأمین کالاها برای مؤسسات و افراد ایفا می‌کند و به درستی این نقش در حوزه برقراری زندگی عادلانه برای مردم جای دارد.

### بخش دوم - سهم بیمه‌های بازرگانی

شرکت‌های بیمه چنانکه باید در اذهان قشرهای مختلف مردم نفوذ نکرده‌اند و خدمات بالقوه آنان در نزد اکثر مردم ایران ناشناخته مانده است که ضروری می‌نماید علت‌های این امر را بررسی کنیم. با شناخت علت‌ها، بسیاری از موانع که سر راه گسترش بیمه و عدالت حاصل از آن وجود دارد شناخته خواهد شد و می‌توان مساعی لازم را برای رفع موانع به کار گرفت.

مرغوبیت کالاهایی که در بازار عرضه می‌شود و برای آن، تبلیغ به معنای رایج کلمه به عمل می‌آید به سهولت محک زده می‌شود و به تدریج و در اندک زمانی مردم به خصوصیات آن پی می‌برند؛ مزایا و نواقص آن را در می‌یابند و در صورتی که کالای کیفیت قابل قبولی داشته باشد جایگاه مناسب خود را در بازار پیدا می‌کند؛ همگان به خرید آن رغبت نشان می‌دهند و اگر عرضه کافی نباشد برای به دست آوردن آن از صرف وقت و پول مضایقه نمی‌کنند. بیمه کالایی از این دست نیست. نه خود آن به سهولت قابل عرضه است نه نتایج سودمند آن، لذا نمی‌توان آن را در معرض دید همگان قرار داد. در واقع هنگام انعقاد قرارداد، بیمه کالایی معنوی است که به بازار فروش مادی نهاده می‌شود. صعوبت کار به وجود آوردن این اعتقاد در مردم است که این کالا علاوه بر مزایای معنوی، نتایج مادی بس با ارزشی در پی دارد. مشکل به وجود آوردن چنین باوری است. کالای جدیدی به بازار عرضه می‌شود چون پیشینه‌ای ندارد عامه مردم درباره آن

قضاوت قلبی و نامساعد ندارند. اذهان درباره آن آشفته نیست و در خصوص آن ناباوری در دماغها رخنه نکرده است. باید اذعان کرد که در مورد بیمه به طور اعم چنین وضعی وجود ندارد و بیمه کمتر منشأ خیر و عدالت تلقی می‌شود. این پیش داوری زمینه مساعدی برای گسترش و تعمیم بیمه فراهم نمی‌کند و به وضوح می‌توان دریافت که در این شرایط برخلاف آنچه که بایسته و شایسته است بیمه توانایی لازم را برای تعمیم عدالت اجتماعی ندارد.

بیمه راستین می‌تواند در برقراری عدالت اجتماعی سهم باشد. بیمه در نزد عموم یک امر واحد و یکسویه شناخته می‌شود. مفهومی که مردم از بیمه دارند فعلیتی است که سامان آن به دست مؤسساتی است که پولی به نام حق بیمه می‌گیرند تا احیاناً خدمتی انجام دهند یا محتملاً خسارتی پرداخت کنند، غافل از اینکه بیمه خصوصیات کالای واحد را ندارد. آنچه به بیمه هویت می‌دهد قراردادهای بیمه نیست هویت واقعی بیمه است که بیمه‌گر و بیمه‌گذار به آن شکل می‌دهند و محقق می‌سازند. بیمه‌گر صادق و درستکار که براساس معیارهای علمی و فنی کار می‌کند با همکاری و همگامی بیمه‌گذارانی امین و راستگو نوعی از بیمه راستین و واقعی را عرضه می‌کند که درست نقطه مقابل بیمه‌ای است که بیمه‌گر و بیمه‌گذاری که واحد خصوصیات یاد شده نیستند عرضه می‌کنند. بنابر این، بیمه مشابه یک کالا نیست. می‌توان گفت بیمه به منزله درخت است. اگر نهال در زمین مساعد کاشته شود و از آب و هوای خوب بهره‌گیرد می‌بالد و به هر طرف شاخه می‌گستراند و فراوان میوه می‌دهد و اگر چنین نباشد درختی پژمرده و بی‌ثمر یا کم‌ثمر خواهد بود. در واقع بیمه راستین و واقعی است که می‌تواند در برقراری عدالت اجتماعی گره‌گشا و سهم باشد.

اشاعه بیمه و گسترش آن وظیفه خطیری است که از عهده هر بیمه‌گری ساخته نیست. در واقع وقتی بیمه‌گر می‌تواند مدعی مشارکت در برقراری عدالت اجتماعی باشد که کمر خدمت به قشرهای جامعه ببندد و هدف او نه تکاثر و جمع مال بلکه داد دادن و به داد رسیدن باشد. چنین بیمه‌گری تبلیغ را با کار نیکو و خدمت آمیخته است و چندان نیازی به فراوان گفتن و بسیار نوشتن ندارد. این سخن بدان معنا نیست که بیمه‌گر نباید در بند داشتن ذخایر لازم باشد. ذخیره‌ای که برای خدمت به مردم فراهم آید خود از اجزای خدمت است. داشتن ذخایر با هدفهای معقول و انسانی در شمار تکاثر نیست.

تشخیص اینکه بیمه‌گر واجد چنین صلاحیتی است از رفتار و روابطش با بیمه‌گذار

معلوم می‌شود. مؤسسه‌ای که پایبند ضوابط، مقررات، اجرای وظیفه، پذیرفتن تعهدات و خودداری از هرگونه عمل ملامت آمیز است از مؤسسه دیگری که چنین نیست باز شناخته می‌شود. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که وقتی بیمه در ایران می‌تواند به درستی نقش خود را در زمینه عدالت اجتماعی ایفا کند که بیمه‌گر در ساحت عمل و گفتار، دو وظیفه اساسی را که به عهده دارد با جدیت تمام انجام دهد: ابتدا شناساندن بیمه بیشتر از مجرای عمل، و سپس، تلاش برای بهسازی بنیادهای بیمه‌ای و استوار کردن روابط با بیمه‌گذار. به هر حال بیمه باید از رهگذر عمل معرفی و شناسانده شود. کسی که از بیمه نامی و تعریفی می‌شنود و در زندگی خود هیچ‌گاه از میوه درخت بیمه نچشیده و حتی با کسی برخورد نکرده که ذائقه او از آن بهره‌مند شده باشد نمی‌تواند درک درستی از بیمه داشته باشد. با تحقق یافتن این مقدمات و شرایط، حال ملاحظه کنیم که بیمه در تعمیم عدالت اجتماعی برای این مردم چه خدماتی را می‌تواند بر عهده گیرد:

۱. قشرهایی از مردم بسیار آسیب‌پذیرند و هر واقعه‌ای در زندگی آنها می‌تواند آثار عمیق و زخمهای التیام ناپذیر پدید آورد. فرض کنیم جوشکاری از بالای ساختمانی سقوط کند، یا کارگری زیر آوار بماند یا در چاه بیفتد یا خرمن دهقانی طعمه حریق شود. هریک از این اتفاقات معیشت یک خانواده را مختل می‌کند و مصایبی به وجود می‌آورد. در صورتی که این حوادث بیمه شده باشند گشایشی در وضع خانواده پدید می‌آید و از بار مصایب کاسته می‌شود و راهی برای ادامه زندگی باز می‌ماند.
۲. بر اثر حوادث، نه تنها نان آور خانواده معلول یا ناقص می‌شود یا از دست می‌رود بلکه وضع شغلی و تحصیلی اعضای خانواده نیز دچار اختلال می‌شود. فرزند یا فرزندان که به تحصیل اشتغال داشته‌اند چه بسا ناگزیر به ترک تحصیل شوند و چه بسیار آثار منفی در کانونهای خانواده‌ای که آنها بعداً بنیان می‌نهند آشکار می‌گردد. طبعاً نتایج حاصل از بیمه از پیدایش امواج ناشی از حوادث جلوگیری می‌کند یا از شدت و وسعت آن می‌کاهد. در این صورت اعضای خانواده‌هایی که دچار حوادث شده‌اند به کار و پیشه خود ادامه می‌دهند و در محل کار و مراکز اشتغال خود حاضر می‌شوند و در کار مراکز اقتصادی، ضعف و فتوری رخ نمی‌دهد. طبعاً سطح خدمات و تولید این مراکز هم دستخوش تنزل نمی‌شود.

۳. ممکن است بر اثر حوادث در کارگاههای کوچک که در سراسر کشور پراکنده

هستند و قفه‌ای در تولید یا ارائه خدمت پیش آید، ولی بیمه این وقفه را کوتاه‌تر، و امکان بازسازی و شروع مجدد کار را میسر می‌سازد و گاه اصولاً از متوقف شدن کار پیشگیری می‌کند. فرض کنیم انبار مواد و مصالح یک کارگاه کفاشی یا جوراب بافی یا قالی بافی آتش بگیرد و کاملاً در آتش بسوزد. با امداد بیمه می‌توان در مدت کوتاهی انبار را بازسازی کرد و ذخایر را فراهم آورد و از تعطیل کارگاه و بیکار شدن کارکنان آن جلوگیری نمود.

۴. با بیمه شدن کشاورزان در مقابل حوادث، امکان معالجه سریع حادثه دیدگان فراهم می‌شود. از یک سو، از عسرت و تنگدستی خانواده آنها پیشگیری می‌شود و از دیگر سو، پس از معالجه و درمان، بیمه شده می‌تواند به کار کشاورزی خود ادامه دهد و معیشت خانواده را فراهم کند. در صورت از کار افتادگی نیز غرامت لازم طبق قرارداد قابل پرداخت خواهد بود. افزون بر خدماتی که شرح آن گذشت، بیمه در موارد زیر نیز نقش اساسی ایفا می‌کند که برای جلوگیری از تطویل کلام، فهرست وار به آنها اشاره می‌گردد:

(۱) با پوشش بیمه‌های سراسری و پرداخت خسارت به هنگام بروز حوادث نامترقبه از مهاجرت افراد جلوگیری و جمعیت تثبیت می‌شود. در این حالت امکان اجرای برنامه توسعه برای همین جمعیت فراهم می‌شود و جماعات مستقر در نقاط جمعیتی مجاور نیز سکون می‌یابند.

(۲) با برقراری بیمه‌های زندگی و خانواده و فراگیری آن در جامعه، حداقل سطح رفاه موجود جامعه تثبیت و کاهش آن منتفی می‌شود.

(۳) با پوشش اکثر افراد جامعه که قدرت خرید بیمه را دارند فرصت کافی برای دولت جهت رسیدگی به قشرهای آسیب پذیر واقعی به وجود می‌آید.

(۴) در جامعه‌ای که قیمت‌ها تعدیل می‌شود بیمه در زمینه تعاون خانواده‌ها و به هنگام بروز خطر نقش اساسی دارد و به عبارتی دیگر با پرداخت چند در هزار از سرمایه مورد بیمه، تعدیل را در توان روزانه جامعه قرار می‌دهد.

(۵) بیمه به مثابه یک صنعت، تولید خدمت می‌کند که بهای ارزش آن را جوامع (داخلی و خارجی) با رغبت می‌پردازند و ایجاد درآمد می‌نمایند.

(۶) با سراسری شدن بیمه‌های عمر، حوادث و نظایر آن و اختصاص درصد قابل ملاحظه‌ای از درآمد افراد، مصرف به صورت خودکار کنترل می‌شود.

۷) با تأمین نیازهای احتمالی مردم در آینده، از لحاظ روانی، کنترل خوبی در مصرف به وجود می‌آید (مانند بی‌نیازی از ذخیره کردن دارو و نگاهداری اشیاء و لوازم یدکی).

۸) با اعمال ضوابط ایمنی در سطوح جامعه و واحدهای بیمه شده از اتلاف اشیاء و در نتیجه از ایجاد زمینه‌های مصرف مجدد جلوگیری می‌کند.

۹) بیمه از سقوط درآمدها جلوگیری می‌کند.

۱۰) از محل درآمد فوق، خسارتهای بیمه‌گذاران تأمین می‌شود و از نامتعادل شدن سطح درآمدها جلوگیری می‌کند.

۱۱) درآمدهای شخصی افراد در روزهای توانایی به نفع ایام ناتوانی تعدیل می‌شود (بیمه بیکاری).

۱۲) با تضمین کیفیت و مرغوبیت کالاهای تولید شده، مبادلات را در داخل و خارج تسهیل می‌کند.

این توضیح لازم است که گرچه قانون اساسی نقش بیمه را به صورت نمادین بیان کرده و در هدفها و خط مشی‌های برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز تا حدودی نقش بیمه در گسترش عدالت اجتماعی بیان شده است، در تبصره‌های قانون برنامه که جنبه عملی دارد این موضوع بسیار کم رنگ دیده می‌شود و فقط در تبصره ۱۸ در خصوص حق بیمه درمانی و در بند سوم تبصره ۷۷ راجع به محصولات کشاورزی، دامی، شیلاتی و سرمایه‌گذاری در طرحهای جنگلداری، مرتعداری و آبخیزداری - آن هم از طریق صندوق بیمه محصولات کشاورزی و دامی - مواردی پیش بینی شده است. لذا به نظر می‌رسد که متولیان امر بیمه باید سعی کنند هنگام تهیه برنامه سوم توسعه با توجه به اثرهایی که بیمه در توسعه اقتصادی و گسترش عدالت اجتماعی دارد کاستی در برنامه قبل را از این بابت جبران نمایند.